

چرچیل اصول گرایان کیست؟



مهرداد خدیبر

معاون سردبیر

در روزهای اخیر روزنامه کیهان به‌عنوان مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین منتقد برجام- قرارداد توافق هسته‌ای در ۱۰ سال قبل- به دفعات محمدجواد ظریف امضاکنندهٔ آن را به «نویل چمبرلین» نخست‌وزیر قبل از ویستون چرچیل در بریتانیا تشبیه کرده است.

این یادداشت برای آن است که نخست، ببینیم چه نوشته‌اند و بعد بدانیم چمبرلین که بوده و دست آخر بپرسیم: اگر چمبرلین را ساده‌لوح و خوش‌یاور و خام‌اندیش و غافل بدانیم آن‌گاه چرچیل سیاس و دوراندیش‌شان کیست و کجاست و آیا رشته کار را در دست داشت و از او گرفتند یا هنوز در دست نگرفته است و باید بگیرد؟ اگر در دست داشت نکند منظور همین آقای سعید جلیلی خودمان و خودشان است که ۶ سال مشغول مذاکرات و به تعبیر دکتر ولایتی «تفلسف» بود یا هنوز نیامده و باید کار را در دست گیرد؟

۱۲ تیر ۱۴۰۴ در این باره نوشتند: «محمدجواد ظریف با همهٔ تفاوت‌های تاریخی و فرهنگی امروز می‌تواند نسخهٔ ایرانی همان چهره باشد که توافق‌نامه‌ای را با اعتماد امضا کرد و در نهایت نتیجه‌ای جز شکست و فشار به ملت خود ندید. ظریف، شبیه‌ترین شخصیت به «نویل چمبرلین» نخست‌وزیر انگلیس در سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۰ بود. فردی که با خوش‌بینی و عقب‌نشینی در قبال خواسته‌های آدولف هیتلر، با آلمان نازی توافقی امضا کرد و آن را در میان مردم سر دست گرفت و به آن افتخار کرد؛ در نهایت همان توافق برای مردم انگلیس دقیقاً نتیجه عکس داد و باز یاده‌خواهی‌های هیتلر از بین رفت.»

۶ روز بعدو در ۱۸ تیر ۱۴۰۴ هم باز آن تشبیه تکرار شد و در سطورى از این قرار: «دشمن اگر در ساعات باامداد روز ۲۳ خرداد جسارت حمله پیدا کرد، این جسارت نه از سر اعتماد به قدرت بود، بلکه ناشی از ادراک ضعف از داخل کشورمان به واسطهٔ مواضع افراد و جریان‌ات غرب‌گرا بود. در حالی که صهیونیست‌ها به‌دنبال فرصتى برای ضربه بودند و آمریکا تحریم‌ها را پله‌پله تشدید می‌کرد، برخی در داخل با تفسیرهای وارونه از مفاهیم دیپلماسی و امنیت، مدام از ضرورت مذاکره با آمریکا سخن گفتند و سعی بر تحمیل خطای استراتژیک با برچسب «واقع‌اندیشی» به‌نظام داشتند. این در حالی است که علم روابط بین‌الملل درست در نقطهٔ مقابل این تحلیل، دوگانه رفتار چمبرلین و چرچیل در مقابل هیتلر را به‌تمام تحلیل گران گوش‌زد می‌کند. رفتار چمبرلین نخست‌وزیر اسبق انگلستان و فتح‌الفتحوح برجام‌مانندی. یعنی توافق مونیخ با آلمان نازی منجر به جسارت بیشتر هیتلر در برابر انگلستان شدو در دست در نقطهٔ مقابل، چرچیل انگلستان را از هرگونه عقب‌نشینی در برابر هیتلر برحذر داشته‌و از این رهگذر این کشور را از سیاه‌چالهٔ جنگ جهانی دوم بیرون کشید. جنگ ۱۲ روزهٔ اخیر، تنها یک تقابل نظامی نبود؛ برخورد تقابل دو تفکر بود: تفکر مقاومت و قدرت، در برابر تفکر وادادگی و امید به دشمن. حمله‌یی سابقه به‌تأسیسات هسته‌ای، ترور فرماندهان ودانشمندان وشهادت ۱۱۰۰ تن از نجسگان و مردم مظلوم و کودکان وزنان ایرانی، نتیجهٔ نه‌فقط دشمنی آشکار صهیونیسم، بلکه حاصل رخنهٔ همان جریانی بود که سال‌هاست نسخهٔ انفعال و تسلیم را در زوروق مذاکره عرضه می‌کند.»

چنان که در سطور بالا هم اشاره شده نام بردن از چمبرلین در واقع به قصد اشاره به سیاست «مسامحه» یا «مماشات» بریتانیا در قبال هیتلر قبل از حمله به لهستان صورت پذیرفته و رویکردی که بریتانیا در دههٔ ۱۹۳۰ در پیش گرفت و هدف آن جلوگیری از جنگ با آلمان نازی با امتیازدهی به هیتلر بود. این سیاست که عمدتاً با نام نویل چمبرلین -نخست‌وزیر وقت بریتانیا- گره خورده شامل امتیازاتی مانند پذیرش الحاق اتریش و بخشی از چکسلواکی به آلمان در ازای تعهد هیتلر به صلح بود. منتها یک سال بعد آلمان نازی به لهستان حمله کرد و عملاً مشخص شد با هیتلر نمی‌توان کنار آمد و این ضرب‌المثل رایج شد که «جلوی هیتلر را دو مونیخ بایدمی‌گرفتند» یعنی از ابتدانیاید به‌او امتیاز می‌دادند. با این حال با شروع جنگ جهانی دوم ناگهان چمبرلین محو نشد بلکه مدتی بود و بعد از آن کنار رفت و جای خود را به ویستون چرچیل رهبر حزب محافظه‌کار داد و البته چمبرلین مدت زیادی در این دنیا نماند تا حاصل را ببیند. نه چرچیل و نه دیگران اورا متهم نکردند بلکه به اقتضای شرایط جدید تصمیمات تازه گرفتند.

چون کسی نسبت «خائن» به چمبرلین نداده (مانند وثوق‌الدوله در ادبیات سیاسی ما) و همه بر نیت خیر او در مهار هیتلر با روش‌های دیپلماتیک و جلوگیری از جنگ اتفاق نظر دارند در این فقره نمی‌توان گفت تشبیه کنندگان اهانت و اتهامی به ظریف یا روحانی یا حامیان برجام وارد آورده‌اند تا در مقام دفاع باشیم و تازه آورده باشد خودشان زبان و تربیون دارند و نیاز به دیگری نیست. نکته اما جای دیگری است. اینکه درست است که بعد از چمبرلین، چرچیل روی کار آمد؟ اما چگونه و آیا مکانیسم آن جز انتخابات و در یک نظام پارلمانی بود؟ وقتی با نظرات استصوابی و تعدد مراکز قانون‌گذاری و مداخله و عملاً محاصرهٔ تقنینی انواع شوراهای عالی (که به جز شورای عالی امنیت ملی ذکری از بقیه در قانون اساسی به میان نیامده) مجلس را از کارایی انداخته‌اند و دست‌و پال منتخب مردم در دولت در انتصاب مدیران میانی هم بسته است و از این منظر خوب است توضیح دهند چرچیل و چرچیل‌ها چگونه روی کار بیایند و اساساً چرچیل اصول‌گرایی ایرانی کیست که طی این همه سال از او رونمایی نکرده‌اند؟ بی‌مجامله باید گفت مردم ما بسیاری از این شعاردهندگان و لاف‌زنان و رجز‌خوانان را به کیاست و سیاست نمی‌شناسند حال آن که ویستون چرچیل در گفتار زنان خاتمه‌ار و پیران یازنشته‌نسته ایرانی هم نماد سیاست‌ورزی است

چه رسد به بریتانیایی‌ها و در میان مردم و نخبگان ما اگر در مقطعی در قطب مخالف دکتر مصدق قرار نداشت چمبسا نزد ایرانیان نیز مانند بریتانیایی‌ها از محبوبیت وافر بر خوردار می‌بود.

چرچیل بریتانیایی‌ها را امانمی‌توان تنها به عنوان مخالف مصالحه با هیتلر و جانشین چمبرلین معرفی کرد. همان‌گونه که دکتر مصدق ما قبل از نخست‌وزیری هم به‌خاطر سال‌ها نمایندگی مجلس شهرت داشت. چرچیل نیمی از عمر خود را عضو مجلس عوام بوده یعنی فقط در سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴ عضو این مجلس نبوده و شخصیت او درون پارلمان بالیده و از این حیث کثیری از مردم بریتانیا را نمایندگی می‌کرد و قابل قیاس با کسانی نیست که تنها در انتخاباتی پیروزند که رقبیان را پیشاپیش قلع و قمع کرده باشند!

در ساختاری که حتی چهرهٔ شاخص و معتمد ساختار را پس از ۳ دوره ریاست مجلس شایستهٔ ریاست‌جمهوری نداشتند و دو بار در ۱۴۰۰ و ۱۴۰۳ ر دصلاحیت کردند - و البته داعیه چرچیلی هم نداشت و شباهتی هم به او ندارد - چگونه می‌توانند از چرچیلی بگویند که در پی بیش از ۴۰ سال نمایندگی، دولت را در دست گرفت؟ با این همه این گوی و این میدان! انتخابات آزاد برگزار کنند تا چرچیل مورد نظر روی کار آید و کار در دست چمبرلین‌ها نباشد اما باید بدانیم اگر چه چرچیل هم قبل از نخست‌وزیری منتقد برخی توافقات چمبرلین بود چنان که اشاره شد بعد از حملهٔ آلمان به لهستان و شروع جنگ جهانیگر دوم باز ۹ ماه چمبرلین روی کار بود و سپس کنار رفت و چرچیل رهبر حزب محافظه‌کار و نخست‌وزیر بریتانیا شد و روی کار آمد. تاریخ را از جلو به عقب نمی‌توان خواند تا بدانیم اگر به جای چمبرلین، از همان آغاز چرچیل بر سر کار بود دقیقاً چه می‌کرد. نکته مهم‌تر این که چرچیل هیچ‌گاه سلف خود را به خیانت متهم نکرد بلکه در نطق مشهور خود در مجلس عوام بریتانیا در مقام سیاست‌مدار مدافع جنگ با هیتلر خطاب به مردم گفت: «چیزی برای‌تان ندارم جز خون و اشک و عرق و کار سخت.»

برای آن که بدانیم او چه جایگاهی نزد مردم بریتانیا داشته کافی است اشاره شود در رأی‌گیری بی‌بی‌سی در سال ۲۰۰۲ برای انتخاب بزرگ‌ترین بریتانیایی در طول تاریخ چرچیل را برگزیدند حال آن‌که در همین نظرخواهی بزرگ‌ترین هنرمند تاریخ سینما -چارلی چاپلین- در رتبهٔ ۶۶ قرار گرفته و در این فقرهٔ خاص یک سیاست‌مدار بسیار برتر از هنرمند نشست. چرچیل ستایان امروز اما چه بر سر سیاستمداران محبوب تاریخ ایران آورده‌اند و آیا جز این است که مدام بر چهرهٔ هر یک خاک پاشیده‌اند تا جایی که نام مصدق را از بزرگ‌ترین خیابان تهران برداشته بودند؟ گذشته از این‌ها کارنامهٔ چرچیل را تنها در مخالفت با قرارداد صلح چمبرلین نباید تقلیل داد. او مهارت خود را در ائتلاف موکراسی‌های غربی با اتحاد شوروی نشان داد حال آن‌که شوروی خود در دشمنی با غرب ایجاد شده بود ولی وقتی دشمن مشترک پیدا شد متحد شدند و بعد از جنگ دوباره راه خود را جدا کردند.

▼ چگونه می‌توان دم از چرچیل زد و به انزوا توصیه کرد؟

از سوسی دیگر به گونه‌ای از چرچیل می‌گویند که انگار تنها به خاطر مخالفت با قرارداد ۱۹۳۸ و پیش‌بینی حملهٔ هیتلر به این جایگاه رسیده بود حال آن‌که ویژگی‌های متعدد دیگر هم داشت. از جمله این‌که روزانه ۵۰۰ کلمه می‌نوشت و جز خود آقای شریعتمداری که می‌تواند گزینه مورد نظر باشد دیگران در این مدت چقدر اهل نوشتن بوده‌اند؟! به نظر می‌رسد بیشتر تربیون‌داری و سخن‌پراکنی و گاه رجزخوانی کرده‌اند تا نوشتن.

این حکایت، کامل نیست اگر به دووجه دیگر اشاره نشود؛ نخست این‌که به آنها که مدام بر دوگانه چمبرلین- چرچیل به مثابهٔ دیو و فرشته اصرار می‌ورزند تا ظریف و روحانی و حامیان برجام را بر جای چمبرلین بنشانند و خودشان جای چرچیل بنشینند می‌توان یادآور شد در کارنامهٔ سیاست‌مدار همین‌چهره موردعلاقه‌سرنشز کنندگان سه نقطه منفی بارز هم جلب توجه می‌کند:

اولی که باید برای ما ایرانیان مهم‌تر باشد نقش اوست در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی مصدق. دومی شکست از عثمانی در جنگ گالیپولی و سومی قطعی ۱۹۴۳ در هند و به گونه‌ای که نویسنده و خبرنگار هندی- آمریکایی، در کتاب «جنگ پنهان چرچیل» آورده سیاست‌های چرچیل به عنوان نخست‌وزیر بریتانیا، در قحطی سال ۱۹۴۳ هندوستان موثر بوده: قحطی‌یی که جان ۳ میلیون نفر از مردم هندوستان و غالباً بنگال را گرفت.

وجه دوم و جدای این سه نقطه منفی اما این که چرچیل با همهٔ هوش و سیاست و کیاست متعلق به دوران قبل از جنگ جهانی دوم بود و اگر چه سال‌ها بعد از جنگ هم بر سر کار بود اما کاملاً مشخص بود به جهان جدید تعلق ندارد و شاید اگر گراهام ساترلند- نقاش معروف انگلیسی- تابلوی زار و زار و بی‌شکوهی از او را در روز تولد به وی اهدا نکرده بود به فکر کناره‌گیری نمی‌افتاد. اول البته خشم گرفت ولی بعد به واقعیت تن داد.

پس مشکل اصول‌گرایی ایرانی در قبال این تمثیل و تشبیه دو فقره است:

اول این‌که اگر ظریف چمبرلین است آن‌همی‌گویند چرچیل‌شان کیست و با چه مکانیسمی قرار است دولت را در اختیار گیرد؟ با نظرات استصوابی و حذف پیشاپیش رقبیان و به سبک ۱۴۰۰ یا سازوکار دموکراتیک. دیگر این که به فرض هم چرچیلی در بساط داشته باشند ایران پساجنگ ۱۲ روزه به وضوح و از منظرهای گوناگون به ایرانی دیگر بدل شده و وقتی چرچیل هم توانست خود را با جهان بعد از جنگ دوم انطباق دهد و همچنان در همان حال و هوا بود ایران نیز با ادبیاتی که در صلاوسیمیا و نوشته‌هایشان شاهدیم در ایران پیشاجنگ ۱۲ روزه جا مانده‌اند. تنها از این حیث شاید به چرچیل ماننده باشند ولی از وجوه دیگر نه!

تیتریک

HEADLINE ONE

۲



تکس: میزبان

انفجارهای حاشیه‌ساز

بررسی حوادث روز های پس از آتش بس در گفت‌وگو با کارشناسان

می‌کنیم. دود مشاهده‌شده در فرودگاه ناشی از سوزاندن برنامه‌ریزی شده و کنترل‌شده‌ی علف‌های خشک هرز در حاشیه سطلوح پروازی بوده که در راستای اجرای الزامات امنیتی و بین‌المللی انجام گرفته است. عملیات مذکور تحت نظارت کامل عوامل ایمنی و آتش‌نشانی فرودگاه مشهد صورت گرفته و هیچ‌گونه خطری برای مسافران، پروازها یا تأسیسات فرودگاهی نداشته است.»

دودی که از شرق تهران به چشم می‌خورد نیز به دلیل وقوع آتش‌سوزی در یک فروشگاه کفش در خیابان دماوند بود و جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در این مورد گفت: «دود غلیظ متصاعد شده در این محدوده، به دلیل آتش‌سوزی فروشگاه کفش است. ساعت ۹:۳۷ صبح دیروز، یک مورد آتش‌سوزی در یک فروشگاه کفش واقع در خیابان دماوند، زیر پل روشن‌دلان، به سامانه ۱۲۵ اعلام شد که بلافاصله پنج ایستگاه آتش‌نشانی به همراه تجهیزات لازم به محل حادثه اعزام شدند. آتش‌سوزی در طبقه همکف آغاز شده، اما به نظر می‌رسد بخش انبار نیز درگیر شعله‌های بیشتری شده است.» سخنگوی آتش‌نشانی تهران با بیان اینکه آتش‌سوزی تحت کنترل نیروها قرار دارد، گفت: «خوشبختانه این حادثه تلفات جانی یا مصدوم نداشته و تمامی افراد حاضر در ساختمان به سلامت از محل خارج شدند.» انفجاری نیز در طبقه اول ساختمان پیامبر اعظم واقع در خیابان اردیبهشت پردیسان قم، از جمله این مواردی بود که برخی آن را به حملات دوباره اسرائیل نسبت دادند. نیروهای امدادی بلافاصله خود را به محل حادثه رساندند. امیرعباس بقایی، فرماندار قم درباره این حادثه تأکید کرد: «انفجار ناشی از تجمع گاز خانگی در یکی از واحدهای مسکونی یک مجتمع در منطقه پردیسسان قم رخ داد. در این حادثه ۷ نفر از ساکنان دچار مصدومیت شدند که اغلب آن‌ها آسیب‌های سطحی دیده‌اند و تنها دو نفر با ارجاحات جدی‌تر مواجه شده‌اند و تمام مصدومان به مراکز درمانی منتقل شده‌اند و تحت مراقبت قرار دارند.» خرابکاری یا انفجار در شهرک خاتم واقع در کرج که باعث بلند شدن دود غلیظ شده بود، نیز تکذیب شد.

۲۲ تیرماه پس از صدای انفجار در منطقه اصفهان، روابط عمومی ارتش جمهوری اسلامی منبع این انفجارها را تمرینات نظامی اعلام و تأکید کرد: «در پی اجرای تمرینات نظامی در منطقه اصفهان شنیده شدن صداهای انفجار وجود دارد. برنامه‌ها و تمرینات نظامی مطابق با برنامه‌ریزی‌های مصوب، در سطح منطقه اصفهان اجرا خواهد شد. بنابراین در این بازه زمانی، امکان شنیده شدن صداهای ناشی از فعالیت‌های نظامی از جمله انفجارات کنترل‌شده وجود دارد که این موارد کاملاً مرتبط با تمرینات برنامه‌ریزی شده بوده و جای هیچ‌گونه نگرانی نیست. از همکاری و همراهی همیشگی مردم شریف ایران قدردانی می‌نماییم.»

۲۱ تیرماه نیز دود در حوالی محله فرودگاه مهرآباد، روابط عمومی فرودگاه بین‌المللی مهرآباد را بر آن داشت که شایعات مربوط به انفجار در این فرودگاه را تکذیب کند و تأکید کرد: «به اطلاع عموم هموطنان و مسافirin عزیز می‌رساند خبر منتشرشده در برخی رسانه‌ها و فضای مجازی مبنی بر وقوع انفجار در فرودگاه مهرآباد کاملاً کذب و بی‌اساس است. ستون دود مشاهده شده ارتباطی با فرودگاه مهرآباد ندارد و محل مورد نظر خارج از محدوده فرودگاه است. در حال حاضر، هیچ‌گونه حادثه‌ای در فرودگاه مهرآباد رخ نداده و تمامی فعالیت‌های پروازی طبق برنامه در حال انجام است.»

۱۹ تیرماه انفجاری در پیترگر رخ داد که ۷ نفر مصدوم شدند. جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران درباره این انفجار گفت: «بر اساس بررسی کارشناس آتش‌نشانی که در محل حضور یافته، انفجار گاز در یکی از طبقات برج پامچال پیترگر رخ داده است. این ساختمان مجهز به گاز واحد مسکونی حدود ۸۰ مترى در طبقه ۱۵ یک مجتمع مسکونی ۲۰ طبقه، رخ داده و در اثر این انفجار دیوارها و سقف‌های همین واحد بر اثر شدت انفجار تخریب شده است. خوشبختانه انفجار منجر به آتش‌سوزی نشده بود و فقط در حد یک کپ و یک انفجار اولیه است. در واحدهای بغلی هم خسارت‌هایی در حد ترک‌روی دیوار و سقف‌ها و یا تخریب بخشی از سقف و دیوارهای کوچک رخ داده است. انفجار گاز در یکی از طبقات برج پامچال پیترگر باعث تخریب یک آپارتمان و آسیب به خانه مجاورش شد که اعضای خانواده توسط همسایگان به مراکز درمانی منتقل شدند.»